وما آتیکم الرسول فخذوہ وما نہیکم عنہ فانتہوا

کتاب مستطاب جامع مسائل عبادات و معاملات و ایقاعات موافق مذہب اثنا عشریہ کثرہم اللہ فی البریۃ

جامع عباسی

یہ کتاب مذہب	پنج بابی در فقہ	شیعہ کی ہے

از مصنفات خاتم المجتہدین شیخ الاسلام والمسلمین آیۃ اللہ فی العالمین مولانا الشیخ بہاء الدین محمد الحارثی العاملی

اہل سنت وجماعت	و بر حاشیہ	اسکو ملاحظہ نہ کریں

ترجمۃ الصلوۃ

من مؤلفات عمدۃ المحدثین الابرار قدوۃ المجتہدین الاخیار آخوند ملا محمد باقر مجلسی مصححہ مولوی تصدق حسین صاحب

در مطبع نامی منشی نولکشور واقع لکھنؤ بہ طبع گردید

وما آتاکم الرسول فخذوہ وما نہاکم عنہ فانتہوا

کتاب مستطاب جامع مسائل عبادات و معاملات و ایقاعات موافق مذہب اثنا عشریہ ... کثر اللہ سوادہم فی البریہ

جامع عباسی

یہ کتاب مذہب	پنج بابی ورثن	شیعہ کی ہے

از مصنفات خاتم المجتہدین شیخ الاسلام والمسلمین آیۃ اللہ فی العالمین مولانا الشیخ بہاء الدین محمد العاملی

اہل سنت و جماعت	و بر حاشیہ	اسکو ملاحظہ کریں

ترجمۃ الصلوۃ

من مصنفات عمدۃ المحدثین الابرار قدوۃ المجتہدین الاخیار آخوند ملا محمد باقر مجلسی مع تصحیح مولوی تصدق حسین صاحب

در مطبع نامی منشی نول کشور واقع لکھنؤ بہ طبع گردید

بندی از ترجمه جناب مصنف طالب شاه

نقل از کتاب نجوم السماء فی تراجم العلماء مصنفه فاضل المعی سخن پیرا لوذعی جناب مولوی میرزا محمد علی صاحب

خاتم المجتهدین مولانا الشیخ بهاء الدین محمد بن حسین بن عبد الصمد الحارثی الهمدانی الجبعی العاملی

نسب شریفش بحارث بن عبد الله الاعور الهمدانی که از اصحاب کرامت اختصاص جناب امیر المؤمنین علیه السلام و از راویان احادیث سید المرسلین و از کبار علمای تابعین و فقهای عالمین بود می رسد جناب شیخ از راه مسکن بقریه جبع (بجیم مفتوحه و باء موحده و عین مهمله) که از قریهای جبل عامل است (بعین مهمله و میم مکسوره) نسبت دارد و صاحب سلافة العصر آورده که ولادت شیخ در بلدهٔ بعلبک روز چهارشنبه هفدهم ماه ذی الحجه در سال نهصد و پنجاه و سه هجری بوده و همراه والد ماجد خود در صغر سن بسوی دیار عجم آمده و در آنجا نشو و نما یافت و بخدمت والد ماجد خود و دیگر علمای عصر تحصیل علوم نمود تا آنکه بمرتبه کمال علم و غایت فضل رسید بمنصب شیخ الاسلامی ممتاز گشت بعد از آن بسوی درویشی و سیاحت رغبت نموده ترک اموال و مناصب کرده مسافرت را بر اقامت اختیار فرموده پس بحج بیت الله الحرام و زیارت سید الانام و دیگر ائمه کرام مشرف گردیده بعد تا مدت سی سال در سیاحت و مسافرت بسر برد پس از آن ببلاد عجم مراجعت نموده بعد از آنجا رحل اقامت انداخت و باران علم و فضل ببرهان دیانت بارید و متوجه تالیف و تصنیف شد علمای اعصار بحذو نقش رجوع نمودند و اسماع و ابصار شان برادعان فضل و کمالش متفق شدند از جمله تصانیف شریفه آن جناب کتاب حبل المتین فی احکام الدین بحث طهارت و صلوة

149

تا آب بهمه جای او برسد و آن آب را بریزند و نوبت دیگر آب در آن کنند و حرکت دهند
و بریزند آن ظرف طاهر میشود و اگر آن ظرف نجس را در زمین محکم کرده باشند مثل دیگ
دکان کنند آن لازم نیست و بهمین طریق طهارت میتوان داد و اگر خواهند که آب
آن را بانداز آنرا از آنجا با چیزی بر دارند و بدانکه در ظرف طلا و نقره چیزی خوردن و چیزی در آن
گذاشتن حرام است بر مرد و زن اما آن آب و طعام و میوه که در آن ظرف است حرام نمیشود
لیکن از آن ظرف بیرون آوردن آن بقصد خوردن حرام است و بقصد آنکه بر جای گذارند
و بعد از آن بخورند حلال است و از آفتابه طلا و یا نقره دست شستن حرام است و همچنین
بطاس طلا و نقره آب برخود یا بر دیگری یا بر جای ریختن و همچنین از دوات طلا و نقره چیز
نوشتن و از سرمه دان طلا و نقره سرمه کشیدن اما قلم و میل طلا و نقره حلال است اگر
از طاس یا کوزه نقره کوب یا طلا کوب آب بخورد واجبست که لب خود را به طلا
یا نقره آن نرساند و اگر ظرف مس طلا را بر آتش گذارند پس اگر از آن طلا حاصل
شود حکم ظرف طلا خواهد داشت و اگر مطلقا طلا حاصل نشود میانه مجتهدین در آن
خلافست و اصح آنست که حکم ظرف مس دارد و غسل در حوض طلا و نقره صحیح
نیست خواه غسل ترتیبی باشد و خواه ارتماسی و اما اگر زمین آن حوض غیر طلا و
نقره باشد غسل در آن صحیح است با تمام رسید باب اول بتوفیق الله تعالی

باب دوم

در بیان مسائل نمازهای واجبی و سنتی است و در آن یک مقدمه و سه مطلب
و خاتمه است اما مقدمه بدانکه نمازهای واجبی دوازده است اول نماز
شبانه روزی که آنرا نماز یومیه گویند دوم نماز جمعه سوم نماز عید رمضان چهارم نماز
عید قربان پنجم نماز طواف خانه کعبه ششم نماز آیات یعنی کسوف و خسوف و زلزله
و سایر آسمانی که موجب خوف باشد مثل بادهای سیاه و سرخ و امثال آن هفتم نماز میت

دوم سکوت طولانی در اثنای اذان سوم نگاه کردن مؤذن در حال اذان بجانب راست و چپ
چهارم هر یک از شهادتین را زیادت بر دو نوبت گفتن چنانکه مخالفان میگویند پنجم اذان گفتن در
وقت راه رفتن ششم سواره اذان گفتن هفتم اذان گفتن جهت عصر روز جمعه هرگاه نماز
جمعه گذارند هشتم اذان گفتن جهت عصر روز عرفه شخصی که حج میگذارد نهم اذان گفتن جهت عشا
در مشعر الحرام شخصی را که حج میگذارد و بعضی از مجتهدین اذان را در این سه جا حرام میدانند
و اما آن دو امر که حرام است اول اذان گفتن قبل از آنکه وقت نماز داخل شود مگر اذان
نماز صبح که قبل از طلوع صبح جایز است دوم گفتن اَلصَّلوةُ خَیرٌ مِنَ النَّوم در اذان صبح
مگر بر سبیل تقیه که نزد مخالفان گفتن آن سنت است فصل اقامت بعد از اذان
سنت موکده است با آنکه اذان ثواب عظیم دارد و ثواب اقامت بیش از آن است
و سنت است که آواز را در اقامت بلند نکنند و تأنی در آن سنت نیست بلکه ترک تأنی
سنت است و سید مرتضی علیه الرحمه اقامت را در همه نمازهای پنجگانه واجب میداند
و بی وضو اقامت گفتن را حرام میداند و ایستادن را در آن واجب میداند و جمعی از
مجتهدین حرف زدن را بعد از گفتن قد قامت الصلوة حرام میدانند مگر حرفی که بنماز
تعلق داشته باشد مثل التماس کردن حاضران از شخص عادلی که پیش نمازی ایشان
کند یا امر کردن مأمومین را که صفهای خود را راست بدارند و مانند اینها و هرگاه
شخصی اذان و اقامت را بجا نیاورده داخل نماز شود سنت است که نماز را قطع کند
و برگردد و بجا آورده نماز را از سر گیرد و این مشروط به پنج شرط است اول آنکه بسهو ترک
اذان و اقامت کرده باشد نه عمداً دوم آنکه در رکعت اول باشد سوم آنکه رکوع نکرده باشد
چهارم آنکه وقت نماز تنگ نشده باشد تا اگر تلافی اذان و اقامت نماید بعضی از نماز در
خارج وقت واقع شود پنجم آنکه لازم نیاید که بعضی از نماز در مکان یا در جامه غصبی واقع شود
مثل آنکه [illegible] در دو رکعت نماز در خانه [illegible]

کرده باتمام رساند مقصد ششم در نماز میت این نماز واجب کفائیست یعنی هرگاه که
شخصی بگذارد از همه کس ساقط است و نماز بر میت کردن وقتی واجبست که آن میت
مسلمان باشد یا در حکم مسلمان مثل اطفال مسلمانان بشرط آنکه شش سال تمام کرده باشد و اگر
کمتر از شش سال داشته باشد نماز بر ایشان سنت است کیفیت این نماز آنست که مصلی
بعد از نیت تکبیر احرام بجا می آورد و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ باز تکبیر دوم بجا آورد و بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِکْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ
وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلیٰ اِبْراهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ باز تکبیر سوم بجا آورد و بگوید اَللّٰهُمَّ
اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِینَ وَالْمُسْلِماتِ الْاَحْیاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ تابِعْ
بَیْنَنا وَبَیْنَهُمْ بِالْخَیْراتِ اِنَّکَ مُجِیبُ الدَّعَواتِ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ باز تکبیر چهارم
بجا آورد و بعد اگر میت مومن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ
وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ
مُحْسِناً فَزِدْ فِی اِحْسانِهِ وَاِنْ کانَ مُسِیئاً فَتَجاوَزْ عَنْهُ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ کانَ
یَتَوَلّاهُ مِنَ الْاَئِمَّةِ الطّاهِرِینَ و اگر میت مخالف و معاند باشد بجای این دعا بگوید
اَللّٰهُمَّ امْلَأْ جَوْفَهُ ناراً وَقَبْرَهُ ناراً وَسَلِّطْ عَلَیْهِ الْحَیّاتِ وَالْعَقارِبَ و اگر میت مستضعف
باشد یعنی مذهب حق را نداند و عناد نداشته باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِینَ
تابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ و اگر اعتقاد میت را مطلقا نداند بعد از تکبیر
چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ النُّفُوسَ اَنْتَ اَحْیَیْتَها وَاَنْتَ اَمَتَّها اَللّٰهُمَّ وَلِّها ما تَوَلَّتْ
وَاحْشُرْها مَعَ مَنْ اَحَبَّتْ و اگر میت طفل باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ
لِاَبَوَیْهِ وَلَنا سَلَفاً وَفَرَطاً وَاَجْراً و اگر میت زن مومنه باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ اَمَتُکَ وَابْنَةُ عَبْدِکَ وَابْنَةُ اَمَتِکَ نَزَلَتْ بِکَ وَاَنْتَ خَیْرُ